

بررسی تحول ظرفیت عملیاتی و رابطه آن با تحول قضاوت

اخلاقی

نوشته: عبدالعظیم کریمی

معرفی مقاله

برای بررسی رابطه بین «تحول شناختی» (ظرفیت عملیاتی) و «تحول قضاوت اخلاقی»، ۱۶۰ نفر از آزمودنیهای دختر و پسر (۸۰ دختر و ۸۰ پسر) بین سنین ۶ تا ۱۴ ساله از دو ناحیه جنوب و شمال شهر تهران (۸۰ نفر از شمال و ۸۰ نفر از جنوب) را با استفاده از روش بالینی پیازه و کهلبرگ مورد آزمون قرار دادیم. پس از طی فرآیند مراحل پژوهش، نتیجه نشان داد که بین تحول شناختی (میزان دستیابی به مفهوم نگهداری ذهنی اشیاء) و تحول اخلاقی (استدلال در مرحله اخلاق فاعلی یا خود پیروی) همبستگی معنی دار و مثبتی وجود دارد. و از نظر محیطی و برخورداری از امکانات آموزشی و تربیتی، کودکان ساکن شمال شهر به لحاظ قرار گرفتن در ترازهای بالای اقتصادی و اجتماعی نسبت به کودکان جنوب شهر (محروم از امکانات فوق) در دستیابی به مراحل تحول شناختی و استدلال اخلاقی از سطح بالاتری برخوردارند. اما از نظر جنسیت، هیچگونه تفاوت معنی داری در هیچ یک از گروههای سنی دختر و پسر مشاهده نگردید. یافته دیگر این پژوهش نشان داد که ترتیب توالی مراحل تحول شناختی و اخلاقی در آزمودنیهای تهرانی، مطابق نظریه پیازه صورت می گیرد. لیکن وجود تفاوتی فردی و اختلاف در سطوح فرهنگی و خانوادگی آزمودنیها، می تواند در تسریع و یا تأخیر دستیابی آزمودنیها به مراحل تحول، علی رغم بات در ترتیب توالی آنها، مؤثر واقع شود. مقاله زیر را آقای عبدالعظیم کریمی تهیه و در اختیار فصلنامه تعلیم و تربیت قرار داده اند که بدینوسیله از ایشان قدردانی می شود.

«فصلنامه»

یکی از ابعاد مهم تحول روانی کودک، چگونگی شکل‌گیری معیارهای اخلاقی و درک ارزشهای حاکم بر جامعه و نیز نحوه سازش یافتگی رفتار او با ارزشها و هنجارهاست. مفهومی که کودکان از خوب و بد، درست و نادرست، گناه و ثواب، دروغ و راست و امثالهم دارند همراه با افزایش سن و تحول عقلانی تغییر می‌یابد. تا آنجا که با ورود به سنین بالاتر و تشکیل ساخت‌های جدید ذهنی و گسترش میدان روابط اجتماعی درک متفاوتی از مفاهیم اخلاقی پیشین می‌یابند، و بتدریج پی می‌برند که چه گفته‌هایی دروغ است و یا چه اعمالی زشت است و یا اساساً چه فرقی بین دو عمل زشت به ظاهر یکسان، اما با نیت و انگیزه متفاوت وجود دارد. غالب روانشناسان، تحول اخلاقی را نوعی درون‌سازی مستقیم هنجارها و ارزشهای بیرونی فرهنگ تلقی می‌کنند. برای مثال از نظر مکتب «روان‌تحلیل‌گری»^۱ اخلاق، عمدتاً به نحوه تحول «فرمان»^۲ کودک بستگی دارد و یا «همسان‌سازی»^۳ کودک با الگوهای رفتاری سازمان خانواده یا بزرگسال، شکل دهنده «وجدان اخلاقی» او می‌باشد.

در مقابل، نظریه‌های رفتاری نگر^۴ عوامل و شرایط تشویق و تنبیه را اساس یادگیری معیارهای اخلاقی و تثبیت ارزشهای اجتماعی فرض می‌کنند. این دو نظریه، علی‌رغم اختلاف اساسی که در دیدگاههای خود نسبت به تحول روانی کودک دارند، هر دو مبنای رفتار اخلاقی فرد را «احساس گناه» تلقی می‌کنند تا حدی که معتقدند، کودک بر اساس اخلاق رفتار می‌کند تا از احساس گناه در امان باشد.

از طرف دیگر این عده از روانشناسان در رابطه با اصول ثبات و یا متغیر اخلاق دیدگاههای خاصی را ارائه می‌دهند، و معتقدند هیچگونه اصول و مبانی ثابت و جهان‌شمولی در زمینه معیارهای اخلاقی وجود ندارد و اساساً، هر فرد، ارزشهای اخلاقی خود را از تجویزات و منهیات فرهنگ خاص خویش اتخاذ می‌کند. و یا بر این باورند که اصول اخلاقی در نهایت جریاناتی عاطفی و غیرمنطقی‌اند که نمی‌توان برای آنها ساختار و الگوی معین و پایداری تصور نمود.

اما در بیان طیف‌ها و قطب‌های متفاوت و متضاد مکاتب روانشناسی، نظریه دیگری مطرح است که در تبیین مکانیزم تحول روانی کودک، از تمایز ویژه‌ای برخوردار است. و آن مکتب روان‌شناختی «تحولی‌نگر»^۵ و در رأس آن نظام «عملیاتی»^۶ ژان پیازه است که با روش خاص، نحوه پدید آبی منطق تفکر و قضاوت کودک را در چرخه تحول روانی ژنتیکی تعقیب کرده است، پیازه اعتقاد دارد که «اخلاق»^۷ نیز مانند هوش، زبان و بازی در خلال مراحل متوالی معینی تحول می‌یابد، هر مرحله متوالی منجر به مرحله بالاتری از آگاهی و استقلال اخلاقی می‌شود، و این فرآیند، ارتباط لاینفکی با تحول عقلانی کودک دارد.

با تأکید بر این نکته که، تحول‌شناختی^۷ و اخلاقی^۸ کودکان، اموری نیستند که از ابتدا در نظام روانی آنها وجود داشته باشد. بلکه این ساخت‌ها و فرآیندها، به تدریج که کودک متحول می‌شود. امکان پدیدآیی قابلیت‌های جدید ذهنی را در ابعاد عقلی و اخلاقی فراهم می‌آورد. یعنی همانگونه که در دوره‌ای تحول هوش. ما شاهد ظهور سه ساختمان بزرگ شناختی که هر یک دنباله دوره‌های قبلی است. هستیم (۱- دوره هوش حسی - حرکتی^۹ ۲- دوره تهیه و استقرار عملیات منطقی عینی^{۱۰} ۳- دوره هوش انتزاعی^{۱۱}) در بُعد تحول قضاوت اخلاقی نیز سه دوره متوالی تقریباً به موازات بنا شدن ساخت‌های عقلانی به وجود می‌آید. این ساخت‌ها طبق قوانین مشخصی همچون، «رشد داخلی^{۱۲}»، «تمرین^{۱۳}»، «تعامل^{۱۴}» و «تعادل جویبی^{۱۵}» گسترش می‌یابند. بر اساس همین تحول تدریجی است که می‌بینیم کودکان تا قبل از سن ۸-۷ سالگی غالباً فاقد هر گونه «نگهداری ذهنی^{۱۶}» از مفاهیم و اشیاء هستند و یا تا قبل از همین سنین از نظر قضاوت اخلاقی، توانایی انتزاع نیّت فاعلی از نتیجه عینی یک عمل اخلاقی را ندارند به عبارت دیگر در این مرحله، کودک فاقد «اخلاق فاعلی^{۱۷}» یا «اخلاق خودپیروی^{۱۸}» است. در حالیکه در سنین بالاتر و بعد از بنا شدن ساخت‌های عملیات منطقی عینی به تدریج کودکان واجد نگهداری ذهنی اشیاء گشته و از نظر استدلال اخلاقی وارد مرحله اخلاق فاعلی می‌شوند.

در جریان گذار از دوره تفکر عینی به تفکر انتزاعی و در طی یک تحول بزرگ روانی است که فرد به امکان درک و قابلیت «درون‌سازی^{۱۹}» مفاهیم شناختی و اخلاقی دست می‌یابد.

۲ - پیشینه مطالعاتی

غالب مطالعات و پژوهش‌های تجربی پیرامون تحول شناختی و اخلاقی کودک از یافته‌های ژان پیاژه^{۲۰} (۱۹۶۰، ۱۹۳۲، ۱۹۴۰) و لورنس کهلبرگ^{۲۱} (۱۹۶۹، ۱۹۷۱، ۱۹۶۳) الهام گرفته است، پژوهش‌های متعدد بر روی نحوه شکل‌گیری قضاوت اخلاقی (اخلاق عینی، اخلاق فاعلی) و نحوه گذار کودک از مراحل ابتدایی تحول اخلاقی به مراحل بالاتر، این نظر پیاژه و کهلبرگ را که: «اساس فرآیندهای اخلاقی فرد مبتنی بر ساخت‌های شناختی است» مورد تأیید قرار داده است.

تامپلسون و کی‌سی^{۲۲} (۱۹۷۴) همبستگی بالایی را بین تحول شناختی و تحول اخلاقی کودکان ۶ سال به بالا گزارش کرده‌اند. و مارسیا و والکر^{۲۳} (۱۹۸۰) همین پژوهش را بر روی افراد ۸ تا ۲۶ سال انجام داده و به نتایج مشابهی رسیده‌اند.

هافنمن^{۲۴} (۱۹۷۰) و ونوس^{۲۵} (۱۹۵۹) نشان دادند که فرآیندهای اخلاقی به موازات ساخت‌های شناختی قابل تبیین می‌باشند (در کودکان ۶ تا ۱۲ ساله).

فنستون^{۲۶} (۱۹۷۶) نیز اشاره نموده است که تسریع در تحول شناختی کودک باعث

تسریع در تحول مراحل اخلاقی او می‌شود. یافته‌های بلات حاکی است که کودکان تنها به این دلیل تحول نمی‌یابند که از طریق محرکهای بیرونی تقویت شده باشند بلکه عامل عمده تحول آنان، برانگیخته شدن حس کنجکاوی و در نهایت ارتقاء ساخت‌های شناختی آنها است. به گزارشهای روانشناسان دیگری چون: (بلات^{۲۷} ۱۹۷۵) - رست و توریل^{۲۸} (۱۹۶۹)، کان^{۲۹} (۱۹۷۷)، گیلیگان^{۳۰} (۱۹۷۱)، کان و کهلبرگ^{۳۱} (۱۹۷۷) و... همگی نشانگر آن است که لازمه ارتقاء تحول اخلاقی کودک مستلزم پدید آمدن ساخت‌های شناختی در آن مرحله است. در عین حال تمامی این وارسی‌ها حاکی است که هر چند توالی مراحل تحول شناختی و اخلاقی کودکان در همه فرهنگها با ترتیب ثابت و غیر قابل تغییری همراه است اما تسریع یا تأخیر در نحوه دستیابی کودکان به این مراحل بر اساس ظرفیت‌ها و تفاوت‌های فردی و بر حسب ویژگیهای فرهنگی و تربیتی می‌تواند قابل تغییر باشد.

نتایج بکار بسته تمامی گزارشها ذکر شده که ملهم از آثار پیاژه و کهلبرگ است، افق تازه‌ای را در نظام تعلیم و تربیت جهان کنونی گشوده است بدین معنی که در اثر این یافته‌ها، غالب برنامه‌ریزان آموزشی و تربیتی کشورها در بازسازی و بازنگری مفاهیم آموزش و پرورش اقدام به تجدید نظر در برنامه‌های خود کرده‌اند. تا با در نظر گرفتن قابلیت‌ها و ظرفیت‌های ذهنی کودکان و شناخت مراحل تحول شناختی و اخلاقی آنان، معارف و مطالب آموزشی و تربیتی را به تناسب هر مرحله آنها در سطح بهینه و شایسته آن تدوین و تدریس کنند.

پژوهش حاضر بر اساس این انگیزه و متکی بر یافته‌های فوق در پی پاسخ‌گویی به سؤالات و فرضیات ذیل در رابطه با کودکان ایرانی شکل گرفته است:

۳ - سؤالات و فرضیات پژوهش:

سؤالات و فرضیات ما در این پژوهش عبارت بودند از:

۱ - نحوه گذار تحول شناختی و اخلاقی در آزمودنیهای ایرانی از نظر توالی مراحل، چگونه صورت می‌گیرد؟ و فرض ما بر این بود که این تحولات، مرحله به مرحله و «با ترتیب و توالی ثابت» و یکسان مطابق با نظام پیاژه و کهلبرگ صورت می‌پذیرد (طبق مطالعات تجربی و پژوهش‌های بین فرهنگی مرکز شناخت‌شناسی).

۲ - با توجه به شرایط متفاوت فرهنگی و انواع روشهای آموزشی و تربیتی موجود در ایران، کودکان و نوجوانان ایرانی از چه سنی قادر به دستیابی به مرحله نگهداری ذهنی در بعد تحول ظرفیت عملیاتی بوده و از چه سنی واجد اخلاق فاعلی یا اخلاق خود پیروی می‌شوند. و فرض ما بر این اساس بود که آزمودنیهای ایرانی به خاطر فقر امکانات فرهنگی و نارسا بودن شیوه‌های آموزشی و تربیتی، این تحول را با تأخیر قابل ملاحظه‌ای نسبت به کودکان کشورهای

که از نظر امکانات فوق دارای شرایط و موقعیت‌های مساعدتر و مناسب‌تری هستند، طی می‌کنند.

۳- آیا بین آزمودنی‌های دختر و پسر از نظر سرعت دستیابی به نگهداری ذهنی و اخلاق فاعلی در جریان گذار از دوره تفکر عینی به تفکر انتزاعی تفاوت معنی‌داری وجود دارد یا نه؟ فرض ما بر این بود که تفاوت معنی‌داری در این رابطه وجود ندارد.

۴- عمده‌ترین و با اهمیت‌ترین سؤال ما که محور اصلی در این پژوهش است این بود که آیا بین تحول ظرفیت عملیاتی و تحول اخلاقی ارتباطی وجود دارد یا نه؟ و اگر چنین رابطه‌ای هست، همبستگی آن از چه نوع و به چه میزانی است. و فرض ما بر این بود که این رابطه وجود داشته و مثبت است.

۵- آخرین سؤال ما در این پژوهش این بود که محیط و امکانات آموزشی و فرهنگی تا چه حد می‌تواند در بنا شدن سریعتر این مفاهیم در کودکان مؤثر باشد، و فرض بر این اساس بود که عوامل محیطی می‌توانند تأثیر قابل ملاحظه‌ای در این مورد داشته باشند.

۴- تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل: در این پژوهش نمره آزمودنی در آزمونهای مربوط به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است و منظور از نمره تحول عملیاتی این است که آزمودنی طبق نظام پیاژه در رابطه با مفهوم نگهداری ذهنی بتواند مفاهیم مقدار ماده، وزن و حجم اشیاء را با تغییرات ظاهری که در آنها ایجاد می‌شود (مثلاً تغییر گلوله خمیر و...) در ذهن به وسیله یک عمل که در جهت عکس خنثی می‌شود و یا به عمل متقابل جبران می‌شود را استدلال کند.

متغیر وابسته: متغیر وابسته در این پژوهش، میزان دستیابی آزمودنی به مرحله اخلاق فاعلی یا اخلاق خود پیروی در نظام پیاژه یا کهلبرگ است. که کودک در رابطه با داستان‌هایی که برای او ارائه می‌شود در هنگام قرار گرفتن در بحران قضاوت اخلاقی بتواند نتایج عینی و مشهود یک عمل را از نیت و انگیزه انجام آن عمل متمایز سازد و یا به عبارت دیگر مثلاً در مورد اخلاق خود پیروی، بتواند مستقل از ارزشهای قراردادی و قوانین جعلی خانواده و جامعه قضاوت کند.

متغیر کنترل: در اینجا متغیر کنترل سن تقویمی ۸ گروه ۲۰ نفری دختر و پسر بین سنین ۶ تا ۱۴ سالگی است که در طی این پژوهش کنترل می‌شود.

۵- روش پژوهش

از آنجا که پژوهش حاضر در پی واریابی رابطه مراحل شناختی با مراحل تحول اخلاقی

در کودکان و نوجوانان است: تردیدی وجود ندارد که باید به روشی متکی گردید که بتوان به واسطه آن فکر «ارتجالی»^{۳۲} و خودبخودی آزمودنیها را هم به لحاظ ظرفیت عملیاتی و هم به لحاظ توان استدلال اخلاقی، قدم به قدم و بدون آسیب رساندن به مکانیزم طبیعی فکر کودک دنبال نمود. برای این منظور ما از روش بسیار جامع و بدیع ژان پیازه که به روش بالینی معروف شده و حد فاصل بین روش مشاهده و روش تجربی است که بعد از او لورنس کهلبرگ نیز در واریسی تحول اخلاقی کودک از آن سود جسته؛ کمک گرفتیم.

ما برای تأمین این منظور و جلوگیری از آسیب رساندن به زمینه ارتجالی فکر کودک و فرایندهای طبیعی کنش‌های عقلانی و اخلاقی او، موارد زیر را هنگام آزمون آزمودنیها مطرح نظر قرار دادیم:

۱ - تا آنجا که امکان می‌رفت از فرهنگ و محیط آزمودنی اطلاع حاصل کرده و با بافت و زمینه‌های تربیتی او آشنا شدیم.

۲ - از ظرافتهای تکلمی و افکار همراه با این ظرافت نسبتاً آگاهی یافتیم.

۳ - سعی کردیم از استنباط متفاوت از آن چیزی که آزمودنی بیان می‌کند خودداری کنیم.

۴ - تا حد امکان پاسخهای اتفاقی (مربوط به تجربه خاص - تداعی - همخوانی و...) را از پاسخهای ارتجالی و طبیعی کودک جدا کردیم.

۵ - در دستیابی به پاسخ حقیقی کودک آثار «خودمیان‌بینی»^{۳۳} او را در رابطه با مراحل تحول شناختی و اخلاقی مدنظر قرار دادیم.

۶ - برای بدست آوردن استنباط حقیقی آزمودنی در استدلالهایی که ارائه می‌داد از «آزمون مخالف»^{۳۴} بهره گرفتیم. لذا هنگام آزمون، خود را در مقابل فکری که آزمودنی منعکس می‌ساخت قرار دادیم تا فکر اصلی او مشخص شود. و اگر تضادی حاصل می‌شد نشانگر این بود که پاسخ قبلی اصل نبوده و اگر درست بود به اعتبار و اطمینان پاسخ قبلی پی می‌بردیم.

۷ - ضریب اطمینان پاسخ آزمودنی نیز از طریق واریسی‌های تکمیلی که در روش بالینی پیازه در هر یک از ترازها و مراحل آمده است بدست می‌آید.

۶ - ابزار پژوهش

الف) ابزارهای مربوط به واریسی تحول ظرفیت عملیاتی:

ابزار پژوهش ما در بررسی تحول شناختی آزمودنیها در سه تراز نگهداری ذهنی مقدار ماده، وزن و حجم و مجموعه آزمونهای عملیاتی پیازه بود که به تفصیل در کتاب «دیدگاه پیازه در گسترده تحول روانی» با لوازم و فنون آن مطرح شده است که عبارت از گلوله‌های خمیر در ابعاد و اندازه‌های مختلف، ظروف مختلف، چند لیوان و چند استکان، قند، گلوله سربی، ترازو و...

همراه با دستورالعمل‌های خاص بالینی آن می‌باشد.^{۳۵}

ب) ابزارهای مربوط به واریسی تحول اخلاقی:

در این بخش از مجموعه داستان‌هایی که پیاز و کهلبرگ در واریسی مکانیزم استدلال اخلاقی کودک از آنها استفاده می‌کردند بهره گرفته شده که غالب آنها به صورت داستان‌های زوج جهت ایجاد یک موقعیت تعارضی برای کودک جهت قضاوت اخلاقی مطرح شده است. این داستانها در سه بخش از نظر مضمون و محتوا (داستان‌های مربوط به خسارت عینی، داستان‌های مربوط به دزدی و داستان‌های مربوط به اطاعت و استقلال) تنظیم گردیده بود که برای هر کدام از این بخش‌ها دو الی سه داستان برای آزمودنی قرائت می‌گردید.

۷ - جامعه مورد پژوهش

جامعه مورد مطالعه مادر این پژوهش، کودکان و نوجوانان دختر و پسر بین سنین ۶/۰ الی ۱۳/۱۱ سالگی ساکن دو منطقه جنوب و شمال تهران بودند که علت انتخاب آزمودنیها از دو نقطه شمال و جنوب این بود که یکی از فرضیه‌های مادر پی یافتن اثر تجربیات محیطی و فرهنگی و آموزشی بر جریان تحول روانی آزمودنیها بود. و علت انتخاب دختر و پسر بررسی نقش جنسیت در تحول روانی کودکان بود که باید مورد آزمون قرار می‌گرفت.

انتخاب دامنه سنی ۶ تا ۱۳ سالگی هم برای این منظور بود که در طی این دوره کودکان غالباً در نیمدوره دوم از دوره دوم نظام تحول روانی پیازه یعنی در دوره «استقرار تحول عملیات منطقی عینی» و در پایان این سنین در آستانه ورود به دوره سوم یعنی هوش انتزاعی هستند که در پژوهش از نظر تمایز نتایج آزمودنیها و نحوه گذار تحول شناختی و اخلاقی آنها حائز اهمیت بود (علت افزایش گروه سنی به دوره عملیات منطقی عینی به خاطر تأخیر قابل ملاحظه آزمودنیها در دسترسی به مراحل تحول روانی نظام پیازه بود).

* گروه نمونه: گروه نمونه در این پژوهش انتخاب ۱۶۰ نفر از آزمودنیها از ۸ گروه سنی ۶ تا ۱۴ سالگی در کلاسهای اول دبستان تا سوم راهنمایی از ۲۰ منطقه آموزش و پرورش استان تهران به طور تصادفی بود، که در این میان سعی گردید از نظر تفاوت‌های محیطی نمونه‌ها از مدارسی باشد که به لحاظ موقعیتهای اجتماعی، اقتصادی و امکانات آموزشی و... با نمونه مقابل فرق اساسی داشته باشند.

۸ - گردآوری داده‌ها و نحوه استخراج و تفکیک نتایج آزمایشات

الف - نتایج بدست آمده در بعد (تحول عملیاتی)

در آزمایشات مربوط به تحول شناختی یعنی بررسی میزان دسترسی آزمودنیها به مفهوم

نگهداری ذهنی در سه تراز مقدار ماده وزن و حجم، که بر اساس نظریات پیازه شکل گرفته بود از مجموعه پاسخها و افکار آزمودنیها به سه مرحله متمایز دست یافتیم که خصوصیات هر کدام از مراحل در سه تراز به شرح زیر است:

مرحله اول: عدم نگهداری ذهنی، فاقد هرگونه استدلالی در زمینه نگهداری ذهنی اشیاء
مرحله دوم: بین بینی، در این مرحله آزمودنیها نه واجد عدم نگهداری ذهنی بودند و نه به مرحله نگهداری ذهنی به طور کامل و قاطع رسیده بودند بلکه پاسخها و مجموعه افکار آزمودنیها طیف وسیعی از شدت و ضعف در استدلال را که حاکی از دور شدن از مرحله اول و نزدیک شدن به مرحله سوم بود نشان می داد.

مرحله سوم: در این مرحله نوع استدلال های کودک حاکی از ثبات و دوام بود که به دنیای خارج بخشیده و ملاکهای ثابتی در ساختهای او بوجود می آمد. این استدلال ها از سه ویژگی برخوردار بودند: ۱- استدلال این همانی^{۳۴} ۲- استدلال عمل عکس^{۳۷} ۳- استدلال جبران^{۳۸}.

ب - کمی کردن نتایج

از آنجا که تفسیر و تبیین نتایج مربوط به تحول شناختی، از نظر تفکیک مراحل سه گانه فوق، صرفاً از زاویه دید کیفی مورد بررسی قرار گرفته بود به منظور مشخص شدن دقیق تر تفاوت پاسخهای آزمودنیها به ویژه در مرحله بین بینی و انجام محاسبات آماری ناگزیر اقدام به نمره گذاری به شرح زیر نمودیم.

برای مرحله عدم نگهداری ذهنی، نمره صفر منظور گردید و برای مرحله بین بینی با توجه به طیف پاسخهای آزمودنیها از ۴ تا ۱ نمره گذاری شد و برای مرحله نگهداری ذهنی نمره ۵ در نظر گرفته شد. (برای اطلاع از نحوه فرآیند تبدیل نتایج کیفی به کمی به اصل پژوهش مراجعه شود).

ب - نتایج بدست آمده در بعد تحول اخلاقی

در آزمایشات و مصاحبه های مربوط به تحول اخلاقی آزمودنیها که بر اساس نظریات پیازه و کهلبرگ تنظیم شده بود از مجموعه پاسخها، استدلال های ارائه شده توسط کودکان به سه مرحله مشخص زیر دست یافتیم.

* مرحله اول: اخلاق عینی (دیگر پیروی^{۳۹}): این مرحله که همزمان با ظهور نیمه دوره عملیات منطقی عینی است، کودکان به ارزشیابی اعمال بر اساس نتایج مادی و خسارات عینی می پرداختند و نیت و انگیزه فاعل را در نظر نمی گرفتند و از طرف دیگر کودکان در مرحله دیگر

پیروی از قوانین و دستورات بزرگسالان به طور مطلق بدون پی بردن به علل و انگیزه این دستورات، اطاعت کورکورانه می‌کردند.

* ۲ - مرحله بین بینی - مجموعه افکار و استدلال‌های آزمودنیها در این مرحله حاکی از طیف وسیع و گسترده درجات متنوع پاسخها از نظر ضعف و شدت در نوع قضاوت اخلاقی به معنی دور شدن تدریجی از اخلاق عینی و دیگر پیروی و نزدیک شدن به اخلاق فاعلی و خودپیروی بود.

* ۳ - مرحله سوم: اخلاق خودپیروی یا اخلاق فاعلی - که در این مرحله نوع استدلال اخلاقی کودک حاکی از دریافت مفهوم فاعلی از اخلاق بود که برپایه نیات بنا شده است و از نظر اجتماعی اخلاق آزمودنی براساس احترام متقابل و انضباط درونی و به دور از پیروی کورکورانه از قوانین و قراردادهای اجتماعی شکل می‌گرفت.

ب - کمی ساختن نتایج

یافته‌های این بخش از پژوهش نیز همانند یافته‌های مربوط به تحول شناختی براساس سه مرحله متمایز نمره گذاری گردید. بدین نحو که آزمودنیهایی که از نظر استدلال، توانایی انتزاع نیت عمل از نتیجه عینی عمل را نداشتند در مرحله اخلاق عینی قرار می‌گرفتند و نمره صفر برای آنها منظور می‌گردید. و آزمودنیهایی که نه واجد اخلاق فاعلی به طور کامل و نه در مرحله اول به طور مطلق قرار داشتند و در حقیقت در مرحله بین بینی بودند براساس طیف پاسخ و نوع استدلال‌ها نمره ۴ تا ۱ را به خود اختصاص می‌دادند. و بالاخره در مرحله سوم یعنی آزمودنیهایی که به اخلاق فاعلی یا اخلاق خودپیروی دست می‌یافتند نمره ۵ برای آنها منظور می‌گردید. (بخشی از نتایج این بخش نیز در جداول و نمودارها نشان داده شده است).

۹ - مدل آماری جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتایج پژوهش

برای بررسی رابطه بین تحول شناختی و تحول اخلاق، همبستگی نمرات آزمودنیها در تراز تحول ظرفیت عملیاتی با نمرات آنان در مراحل تحول اخلاقی را با فرمول ضریب همبستگی پیرسون مورد آزمون قرار دادیم و در مورد آزمون کردن فرضیات دیگر از طریق بدست آوردن میانگین نمرات و استفاده از T تست تفاوت آماری نمرات را مورد بررسی قرار دادیم. به این علت که آزمون T برای گروههای مستقل و مشخص کردن معنی دار بودن تفاوت‌ها از نظر نقش محیط و نقش جنسیت در چگونگی طی نمودن تحول روانی از جانب آزمودنیها مورد نظر بود.

۱۰ - نتایج آزمون کردن فرضیات پژوهش

ما در این پژوهش با تکیه بر یافته‌ها و تحقیقات متعدد بین فرهنگی ژان پیازه و لورنس

کهلیگر و با استفاده از روشهای بدیع این دانشمندان در واریسی تجربی مکانیزم طبیعی تحول شناختی و اخلاقی کودکان، تلاش کردیم تا پاسخی علمی برای سئوالات اساسی و فرضیاتی که عنوان کرده بودیم بیابیم. لذا با بررسی‌هایی که در فرایند تحقیق انجام گرفت به نتایج زیر دست یافتیم.

*** نتیجه فرض اول:**

روند تحول ظرفیت عملیاتی و تحول اخلاقی در تمامی آزمودنیها مطابق نظام روانی پیاژه است بدین معنی که این کودکان و نوجوانان نیز همان توالی ثابت را در گذار از دوره عملیات منطقی عینی به دوره تفکر انتزاعی از نظر تحول شناختی و گذار از دوره دیگر پیروی به دوره خودپیروی (یا گذار از اخلاق عینی به اخلاق فاعلی) از نظر تحول اخلاقی از خود نشان می‌دهند.^۲ (به جداول شماره ۱ و ۲ و نمودارهای شماره ۱ تا ۸ مراجعه شود)

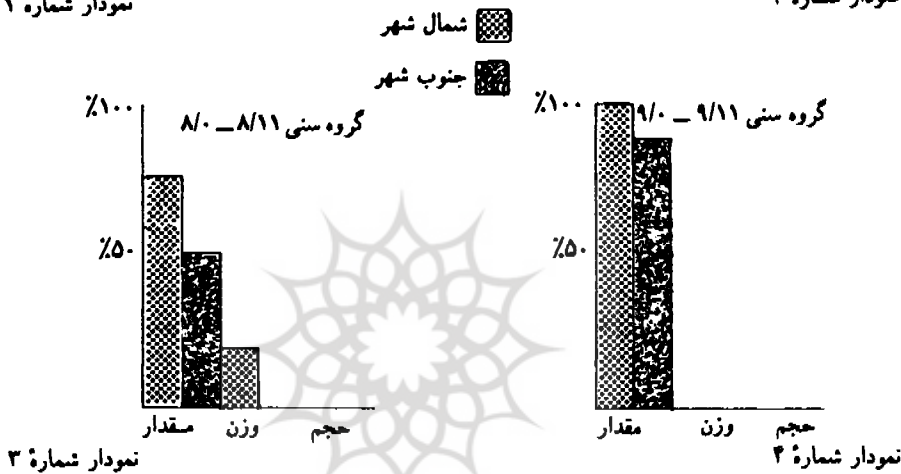
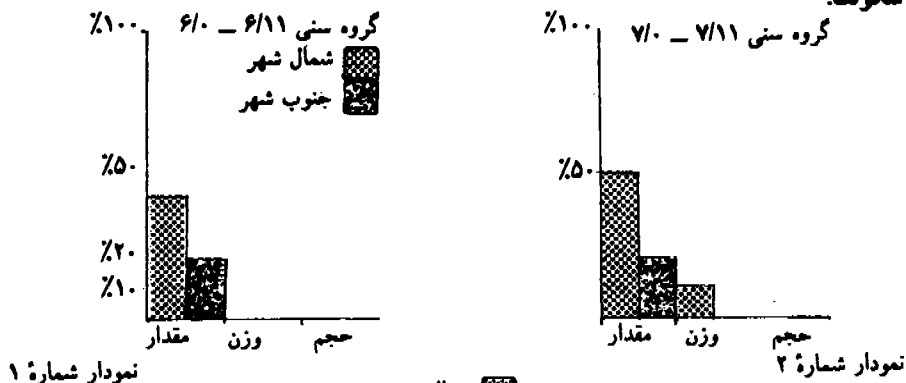
*** نتیجه فرض دوم:**

در آزمودنیهای این پژوهش، دوره رسیدن به ترازهای تحول ظرفیت عملیاتی (نگهداری ذهنی) و دوره اخلاق خودپیروی بسیار دیرتر از حد معمول (به ویژه در مناطق جنوب شهر) آن است. (با ۲ الی ۳ سال اختلاف و تأخیر) (جداول ۱ و ۲)

جدول شماره ۱. درصد آزمودنیها در «ترازهای مختلف» تحول شناختی (نگهداری ذهنی) بر حسب گروه سنی.

حجم	وزن	مقدار ماده	طراز گروه سنی
—	—	%۳۰	۶/۱۱ — ۶/۱۰
—	%۵	%۳۵	۷/۱۱ — ۷/۱۰
—	%۱۰	%۶۵	۸/۱۱ — ۸/۱۰
—	%۴۰	%۹۵	۹/۱۱ — ۹/۱۰
%۱۰	%۴۰	%۱۰۰	۱۰/۱۱ — ۱۰/۱۰
%۲۵	%۶۰	%۱۰۰	۱۱/۱۱ — ۱۱/۱۰
%۳۰	%۷۵	%۱۰۰	۱۲/۱۱ — ۱۲/۱۰
%۵۵	%۸۵	%۱۰۰	۱۳/۱۱ — ۱۳/۱۰

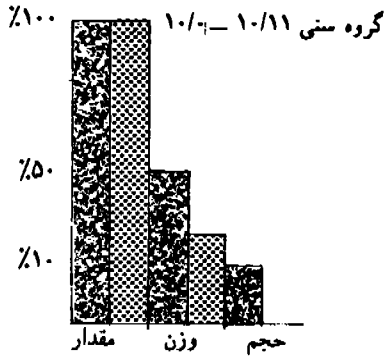
نمودار درصد آزمودنیها در طرازهای مختلف تحول شناختی (نگهداری ذهنی) برحسب سن و محل سکونت.



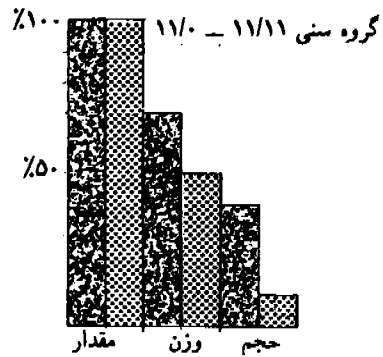
جدول شماره ۲ درصد آزمودنیها در داستانهای مختلف تحول اخلاقی (اخلاقی فاعلی) برحسب سن.

داستان III	داستان II	داستان I	گروه سنی نوع داستان
—	%۱۵	%۳۵	۶/۰ - ۶/۱۱
—	%۲۵	%۴۰	۷/۰ - ۷/۱۱
%۱۰	%۲۵	%۷۵	۸/۰ - ۸/۱۱
%۱۵	%۴۵	%۱۰۰	۹/۰ - ۹/۱۱
%۲۰	%۶۵	%۱۰۰	۱۰/۰ - ۱۰/۱۱
%۳۵	%۷۰	%۱۰۰	۱۱/۰ - ۱۱/۱۱
%۵۰	%۷۵	%۱۰۰	۱۲/۰ - ۱۲/۱۱
%۶۰	%۷۵	%۱۰۰	۱۳/۰ - ۱۳/۱۱

نمودار درصد آزمودنیها در طرازهای مختلف تحول شناختی بر حسب سن و محل سکونت



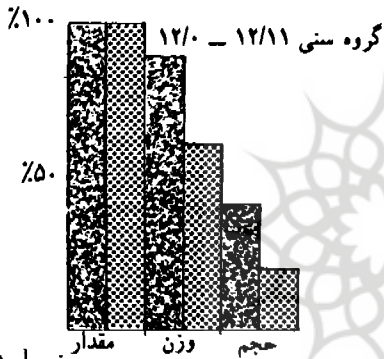
نمودار شماره ۵



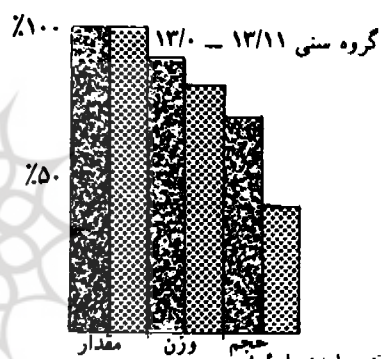
نمودار شماره ۶

شمال شهر

جنوب شهر



نمودار شماره ۷



نمودار شماره ۸

* نتیجه فرض سوم:

در این پژوهش هیچگونه تفاوت معنی داری بین آزمودنیهای دختر و پسر در هیچیک از گروههای سنی ۶ تا ۱۳/۱۱ ساله و در هیچیک از مراحل تحول شناختی و اخلاقی مشاهده نشد.

* نتیجه فرضیه چهارم:

تجربیات محیطی و امکانات آموزشی و فرهنگی می تواند در دستیابی سریعتر آزمودنیها به مراحل تحول روانی موثر باشد. (ر. ک. جدول ۳ تا ۶)

* نتیجه فرض پنجم:

عمده ترین نتیجه این پژوهش که محور اساسی در بررسی تحول روانی آزمودنیها بشمار می رفت این بود که میان تحول شناختی کودکان و نوجوانان و تحول اخلاقی آنان همبستگی مثبت و بالایی وجود دارد و افرادی که از لحاظ تحول ظرفیت عملیاتی در مرحله و یا تراز بالاتری قرار دارند، از نظر تحول اخلاقی و نوع استدلال در قضاوت نیز در رتبه بسالتری نسبت به سایرین قرار می گیرند. (جدول شماره ۷)

۱۱ - تفسیر نتایج پژوهش

همانطوریکه داده‌ها و یافته‌های تجربی این پژوهش نشان می‌دهد؛ مراحل تحول شناختی و تحول اخلاقی، هر دو به صورت توالی ثابت ظهور می‌یابند. آزمودنیها همیشه از مرحله الف به مرحله ب و از مرحله ب به مرحله ج می‌روند. آنان از روی برخی مراحل نمی‌جهند و یا به ترتیب مخلوط این مراحل را طی نمی‌کنند گرچه همه کودکان سرانجام به بالاترین مراحل شناختی و اخلاقی دست نمی‌یابند اما تا آن حدی که در این مراحل پیش می‌روند تحول آنها مطابق ترتیب و توالی نظام روانی شناختی پیازه و کهلبرگ است.

تحول اخلاقی آزمودنی، دور از جنبه‌های دیگری چون تحول شناختی صورت نمی‌گیرد بلکه طبق نتایج آماری این پژوهش، این دو فرایند در ارتباط معنی‌داری با یکدیگر هستند برای مثال اگر آزمودنی از نظر اخلاقی در دوره «دیگر پیروی» بسر می‌برد در جنبه شناختی و عقلانی نیز در مرحله عملیات منطقی عینی است و خصوصیات این مراحل از هم جدا نیست. و میتوان نتیجه گرفت که در تحول اخلاقی آزمودنی، به تبع بروز ابزارهای جدید ذهنی، تغییرات بنیادی ایجاد می‌شود و در خلال این دگرگونی‌ها و پدیدآئی ساختهای جدید، شناختی است که تحولات اخلاقی نیز پا به عرصه ظهور گذاشته و گام به گام متناسب با ظرفیت تحول عملیاتی کودک گسترش می‌یابد.

جدول شماره ۳ مقایسه تفاوت میانگین نمرات تحول شناختی کل آزمودنیهای شمال شهر و جنوب شهر بر حسب گروه سنی.

درجه آزادی	T محاسبه شده	اختلاف میانگین	ضرایب آماری / گروه سنی
۲۸	۴/۳۷ $p < ۰/۰۱$	۳/۱	۶/۰ - ۷/۱۱ نفر ۴۰
۲۸	۲/۹۰ $p < ۰/۰۱$	۲/۵	۸/۰ - ۹/۱۱ نفر ۴۰
۲۸	۲/۵۰ $p < ۰/۰۵$	۱/۶	۱۰/۰ - ۱۱/۱۱ نفر ۴۰
۲۸	۱/۷۲	۰/۸	۱۲/۰ - ۱۳/۱۱ نفر ۴۰

جدول شماره ۴ مقایسه ضریب T در مورد تفاوت میانگین نمرات تحول شناختی بین آزمودنیهای شمال و جنوب شهر و دختر و پسر

درجه آزادی	T محاسبه شده	اختلاف میانگین $X_1 - X_2$	ضرایب آماری / محل سکونت
۱۵۸	۳/۳۰ $p < ۰/۰۱$	۲	۸۰ نفر شمال شهر و ۸۰ نفر جنوب شهر
«	۰/۲۷	۱/۰۱۰	۸۰ نفر دختر و ۸۰ نفر پسر

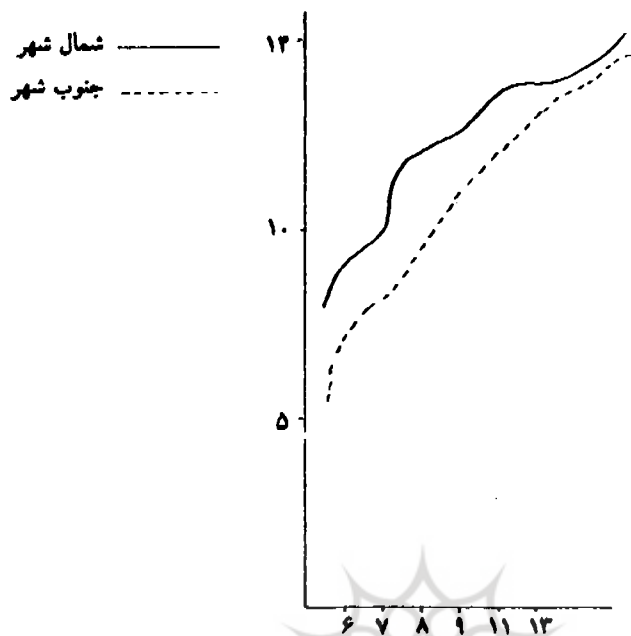
جدول شماره ۵ مقایسه تفاوت میانگین نمرات تحول شمال و جنوب شهر بر حسب گروه سنی.

درجه آزادی	T محاسبه شده	اختلاف میانگین	ضرایب آماری / گروه سنی
۳۸	۳/۶۷ $p < ۰/۰۱$	۲/۹	۶/۰ - ۷/۱۱ ۴۰ نفر
۳۸	۲/۷۱ $p < ۰/۰۱$	۱/۹	۸/۰ - ۹/۱۱ ۴۰ نفر

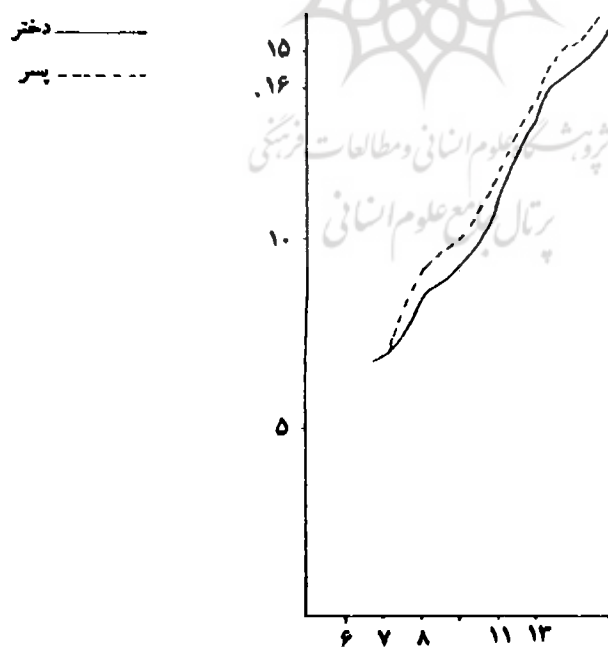
جدول شماره ۶ مقایسه ضریب T در مورد تفاوت میانگین نمرات تحول اخلاقی بین آزمودنیهای شمال و جنوب شهر و دختر و پسر

درجه آزادی	T محاسبه شده	اختلاف میانگین $Y_1 - Y_2$	ضرایب آماری / محل سکونت
۱۵۸	۲/۵۶ $p < ۰/۰۱$	۱/۲۸	۸۰ نفر شمال شهر و ۸۰ نفر جنوب شهر
۱۵۸	۰/۹۷	۰/۳۴	۸۰ نفر دختر و ۸۰ نفر پسر

نمودار شماره ۲۱ مقایسه نمودار میانگین نمرات تحول شناختی (تکهداری ذهنی) برحسب محل سکونت.



نمودار شماره ۲۲ مقایسه میانگین نمرات تحول اخلاقی (اخلاق فاعلی) برحسب جنسیت.



به این ترتیب هر مرحله از تحول اخلاقی نماینده یک پیشرفت شناختی نسبت به مرحله پیشین است که در طول مراحل تحول آموذنیها، به نحوی مشاهده می‌شود (طبق نتایج تجربی این پژوهش) اما از طرف دیگر نباید از عوامل محیطی و فرهنگی، به ویژه شیوه‌های تربیتی خانه و مدرسه نسبت به مسائل اخلاقی کودکان غافل باشیم. ما در طول آزمایشات مختلف در زمینه واریسی روند تحول اخلاقی در کودکان، به مواردی برخورد کردیم که این تحول به لحاظ شرایط نامساعد محیطی و نوع تربیت، دچار وقفه یا تثبیت می‌شوند. برای مثال این امکان وجود دارد که کودکی که در مرحله دیگر پیروی قرار داشته و باید تحولات بعدی را به سمت «خودپیروی» طی کند؛ براساس ساختهای آموزشی و تربیتی مدرسه و خانه و دیگر عوامل موثر محیطی و فرهنگی، از نظر گذار تحول در مرحله‌ای خاص تثبیت می‌شود و فراتر از آن نمی‌رود. حال آنکه همین آزمودنی در مراحل تحول عملیات، روند عادی خود را طی می‌کنند. گسره‌چ یک جنبه تحول اخلاقی ناشی از بنیاد عقلی کودک است باید جنبه دیگری بدان افزوده شود و آن بعدی است که منشاء فعل‌پذیر دارد و فشار و الزامی است که از جانب بزرگسالان برای قبول شرایط اخلاقی اعمال می‌شود.

باید اذعان نمود که فرهنگها، ارزشهای متفاوتی را پدید می‌آورند که این امر در روند تحول روانی کودک به ویژه در بعد تحول اخلاقی او بسیار موثر است. مثلاً در مورد داستانهای نوع دوم در این پژوهش که مربوط به مسائل دزدی بود و در آن مفاهیم ارزشی و عاطفی بیشتری نسبت به داستانهای نوع اول مطرح می‌شد؛ ما شاهد نوعی پیچیدگی در قضاوت و استدلال اخلاقی در کودکان بودیم. که بدون تردید ناشی از فرهنگ و ارزشهای اجتماعی و مذهبی می‌باشد.

لذا در کلی‌ترین و نهایی‌ترین تفسیر می‌توان نتیجه گرفت:

۱ - تحول شناختی برای تحول قضاوت اخلاقی یک شرط لازم است اما شرط کافی نیست.

۲ - فقدان امکانات آموزشی و تربیتی و کمبود محرکات شناختی، می‌تواند باعث خاتمه نابهنگام تحول بسیاری از کودکان در مراحل ابتدایی رشد شود.

۳ - استدلال هر فرد به طور برجسته در حول یک مرحله است. اما معمولاً با استدلال‌هایی از یک مرحله پایین‌تر یا یک مرحله بالاتر نیز همراه است.

۴ - نقش گروه‌های همسال در ارتقاء مراحل تحول روانی کودکان نقشی تعیین‌کننده‌ای است. تا حدی که تاثیر اقدار شخصی و ساختار تربیتی بزرگسال در درون‌سازی مفاهیم اخلاقی نسبت به گروه همسال از اعتبار کمتری برخوردار است.

۵ - بین حکم اخلاقی و رفتار اخلاقی کودکان ناهماهنگی‌هایی وجود دارد که در صورت

تحول ارتجالی و به دور از دخالت تحمیلی و تصنعی بزرگسال از یکسو و وجود روشهای فعال تربیتی که بر اساس خود رهبری کودک و تعامل با گروه همسال شکل می‌گیرد می‌توان این ناهماهنگی را کاهش داد.

۱۲ - استفاده نتایج در نظام تعلیم و تربیت

باتوجه به نتایج و یافته‌های تجربی این پژوهش که مؤید تحقیقات «پیازه» و «کهلبرگ» در مورد تحول ظرفیت عملیاتی و اخلاقی کودکان است؛ مشخص شد که اولاً ظرفیتهای مختلف کودکان طی توالی ثابتی بتدریج پدید آمده و در آنها شکل می‌گیرد و تواناییهای مختلف کودکان در ابعاد شناختی و اخلاقی، وابسته به ساختهای ذهنی آنهاست. لذا هرگونه برنامه‌ریزی آموزشی و تربیتی باید متناسب با این ساخت و در نظر گرفتن ترتیب توالی مراحل تحول روانی کودک باشد.

ثانیاً در کودکان و نوجوانان ایرانی، طبق داده‌های آماری این پژوهش، تاخیر تحول ظرفیت عملیاتی و تحول اخلاقی، با تفاوت آشکار (معنی‌دار) نسبت به سنین متوسطی که پژوهشهای پیازه و کهلبرگ نشان می‌دهد؛ صورت می‌گیرد و آنان در عین حال که از همان توالی ثابت در تحول روانی برخوردارند؛ لیکن خیلی دیرتر از زمانی که باید به مرحله‌نگهداری ذهنی و اخلاق فاعلی دست یابند به این مراحل وارد می‌شوند که این خود نشانی از شرایط محیطی، فرهنگی تجربیات آموزشی و شیوه‌های نارسا و غلط در امر تعلیم و تربیت از یکسو و عدم رعایت قابلیت‌های فطری کودکان و تحمیل مطالب تحمیلی در برنامه‌ریزی‌های درسی از سوی دیگر می‌باشد. و این دو باعث می‌شود که هم تحول روانی کودک به خاطر وجود شرایط و امکانات نامناسب به تاخیر دچار شود و هم مواد درسی و شیوه‌های تربیت اخلاقی تأثیرات منفی و تخریبی در روند تحول روانی کودک بجای گذارد.

ثالثاً وجود رابطه معنی‌دار بین تحول شناختی و تحول اخلاقی در این پژوهش، مؤید آن است که تا زمانی که معلمان و مربیان از وجود چنین ارتباط لاینفک و جداناپذیری مطلع نشده و نکات روان شناختی آنرا در همه ابعاد مطرح نظر قرار ندهند، نمی‌توان در بهبود کیفیت تعلیم و تربیت و جبران عقب ماندگیهای آموزشی و افتهای تحصیلی اقدام موثری بعمل آورد.

رابعاً سهم محیط و تجربیات روزمره فرهنگی، طبقه اجتماعی، ساخت تربیتی خانواده، آموزشهای پیش دبستانی و امکانات کمک آموزشی و... همه و همه نقش تعیین کننده‌ای در تسریع و یا تاخیر پدیدآیی ساختهای عملیاتی در تحول شناختی استدلالهای داور در تحول اخلاقی دارند که نظام آموزش ما نباید از این مهم غافل بماند.

در مجموع می‌توان بیان کرد که در سیستمهای آموزشی و تربیتی باید انتظار داشت که

ارتباط بسیار نزدیک و تنگاتنگی بین پژوهشهای روان‌شناختی بنیادی و برنامه‌ریزی درسی و شیوه‌های تربیت اخلاقی بوجود آید که در نتیجه آن مسئولان و دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت به طور دقیق فرآیند تحول روانی کودکان و نوجوانان را شناخته و با درک این فرآیند، مفاهیم جدید را با توجه به ساختهای ذهنی کودک در اختیار او بگذارند؛ تا کودک بتواند با ادراک صحیح، به عملیات بر روی آنها بپردازد.



زیرنویسها:

- 1 - Psychoanalysis
- 2 - Super ego
- 3 - Identification
- 4 - Behaviorism
- 5 - Developmentalism
- 6 - Moral
- 7 - Cognitive-Development
- 8 - Moral- Development
- 9 - Period of Sensori- Motor
- 10 - Period of Concrete - Operations
- 11 - Period of Abstract Intelligence or Formal Operations
- 12 - Maturation
- 13 - Exercise
- 14 - Interaction
- 15 - Equilibration
- 16 - Conservation
- 17 - Subjective-Moral
- 18 - Autonomy



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- 19 – Assimilation
- 20 – Piaget, J. Moral Judgment of the child–1932
- 21 – Kohlberg, L. Cognitive Development and Epistemology New–York 1971
- 22 – Kohlberg, L. stage and Sequence: The Cognitive Development Approach to Socialization: Handbook of Socialization theory and Research 1969
- 23 – Dusek, J. B. Adolescent Development and Behavior – 1988 – P. 341
- 24 – Genetic Psychology–Menograph – 1971 – p.83.93. 146
- 25– Medinnus G.R. (1957) an Investigation of Piaget Concept of the Development of Moral Judgment in six to twelve years–old
- 26 – Fenton. E. moralEducation, The research Finding Social Education 1976 p. 40– 188 – 193
- 27 – Blatt, M. and Kohlberg.L. The effects of Classroom Moral Discussion Upon Children’s level of Moral Judgment : Journal of Moral Education 1975 – p. 4 – 129 – 161
- 28 – Rest. J. R. and Turiel.E.Relation between Level of Moral Judgment and Preference and Comprehention of the Moral Judgment of Others:Joual of Personality. 1969-P.34. 225,259
- 29 – Kuhn–D. The Development of Moral Character and Moral Ideology:Review of Child Development Research(Vol–1) New York
- 30 – Giligan – c. (1971). The Adolescent as philospher. p. 100 –105–86.
- 31 – Kuhn. D. Langer. J.–kohlberg. L. and Haan. N. The Development of Formal Operations in Logical and moral Judgment: Genetic psychology monograph– 1971 – p. 95 – 97 – 188
- 32 – Spontaneous
- 33 – Egocentrism
- 34 – Opposite–test

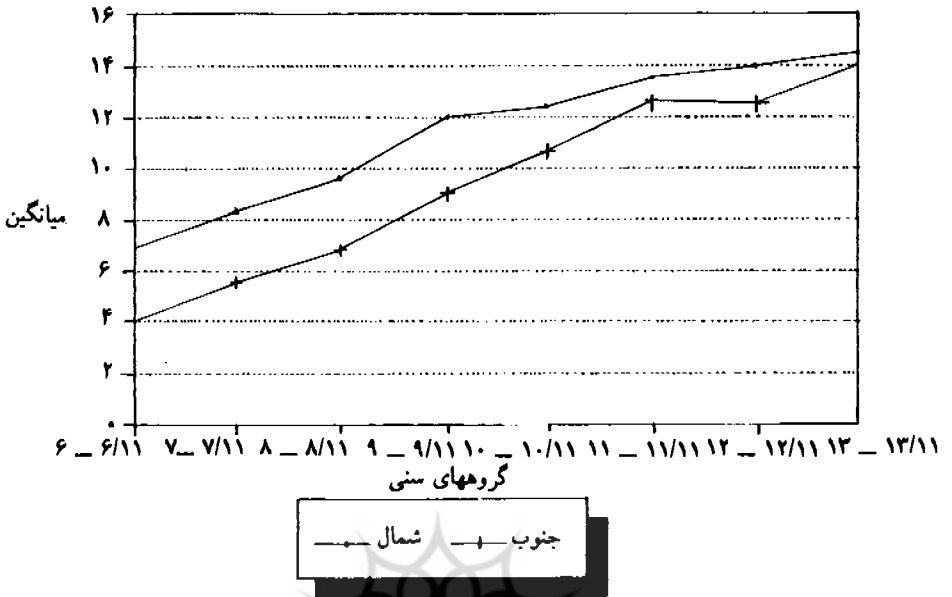
۳۵ – ر. ک: دیدگاه پیاژه در گستره تحول روانی (به ضمیمه آزمونهای عملیاتی پیاژه)
ترجمه دکتر محمود منصور و دکتر پریرخ دادستان.
و کتاب روان شناسی بالینی – ترجمه دکتر م. منصور و دکتر پ – دادستان

- 36 – Identity
- 37 – Inversion
- 38 – Compensation
- 39 – Heteronomy

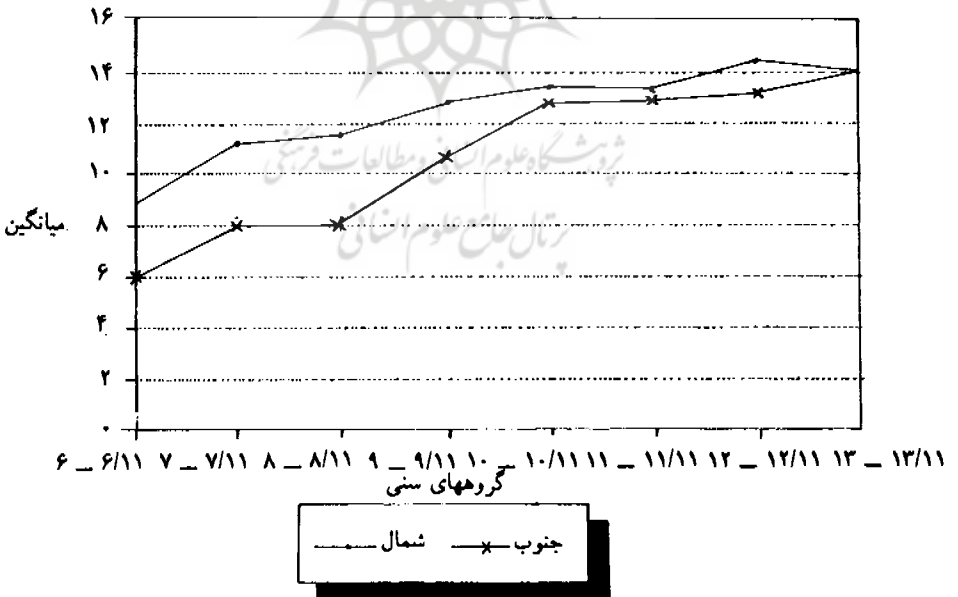
۴۰ – به علت مفصل بودن داده‌های آماری، جداول و نمودارهای پژوهشی، و محدودیت زیاد در درج این یافته‌ها در فصلنامه، خوانندگان محترم را به نسخه اصلی پژوهش ارجاع می‌دهیم.

بخش ضمیمه

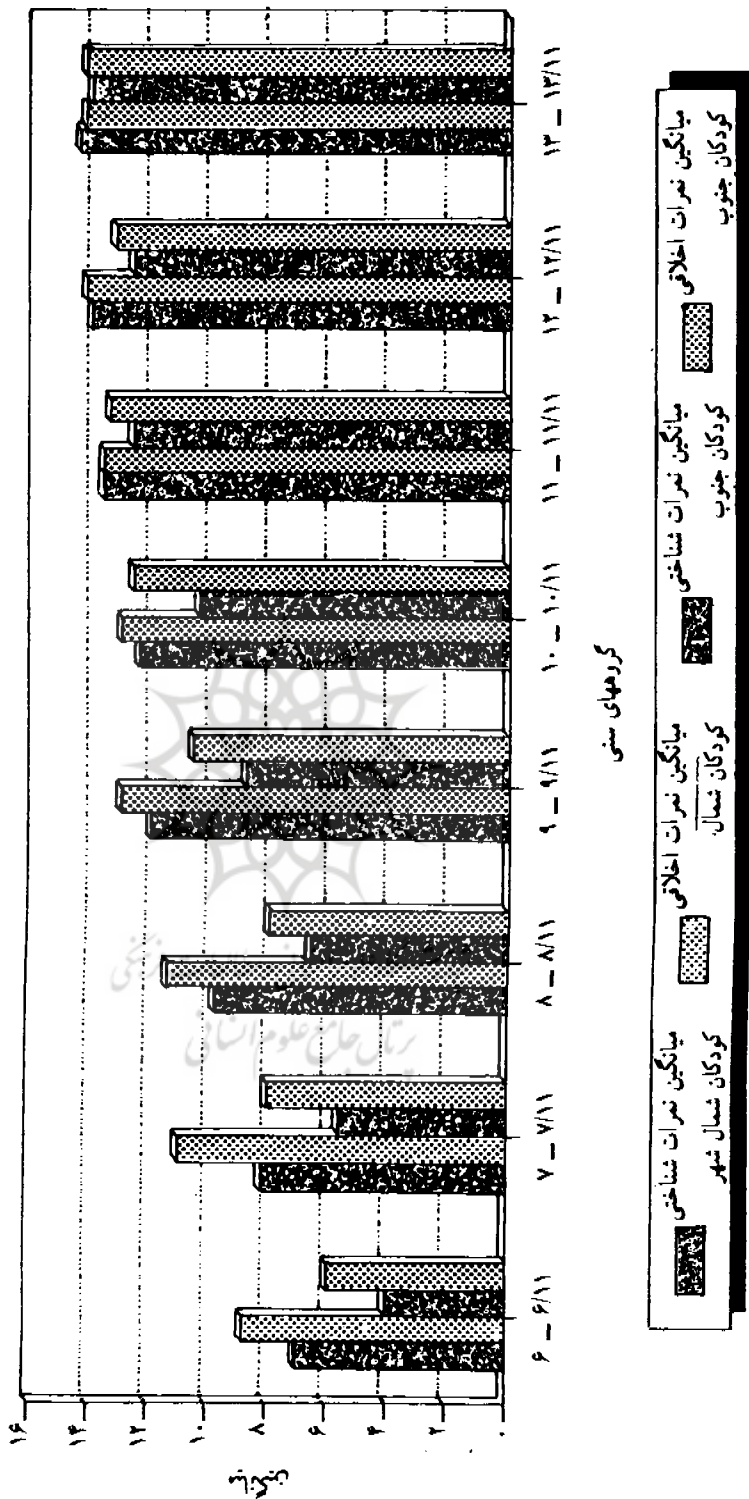
نمودار مقایسه میانگین نمرات تحول شناختی کودکان شمال و جنوب (پسران)



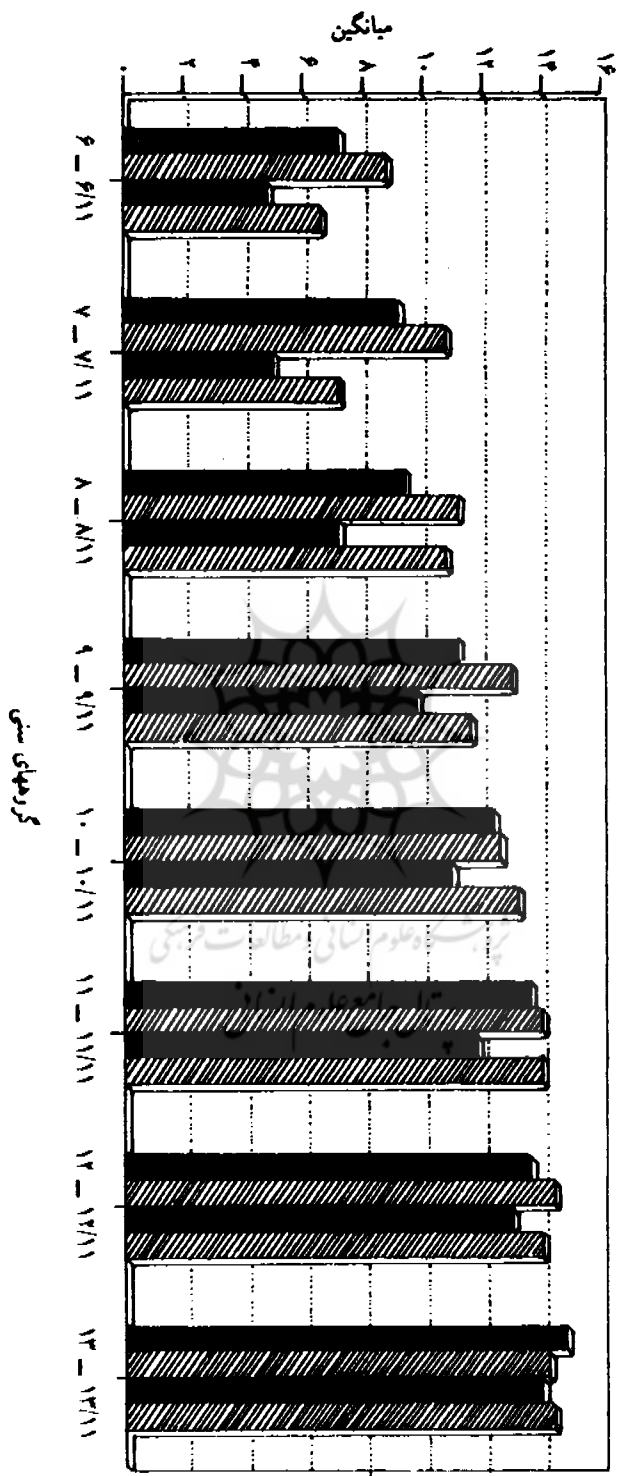
نمودار مقایسه میانگین نمرات تحول اخلاقی کودکان شمال و جنوب (دختران)





مقایسه میانگین نمرات تعول شناختی با تعول اخلاقی در کودکان جنوب شهر (دختران)

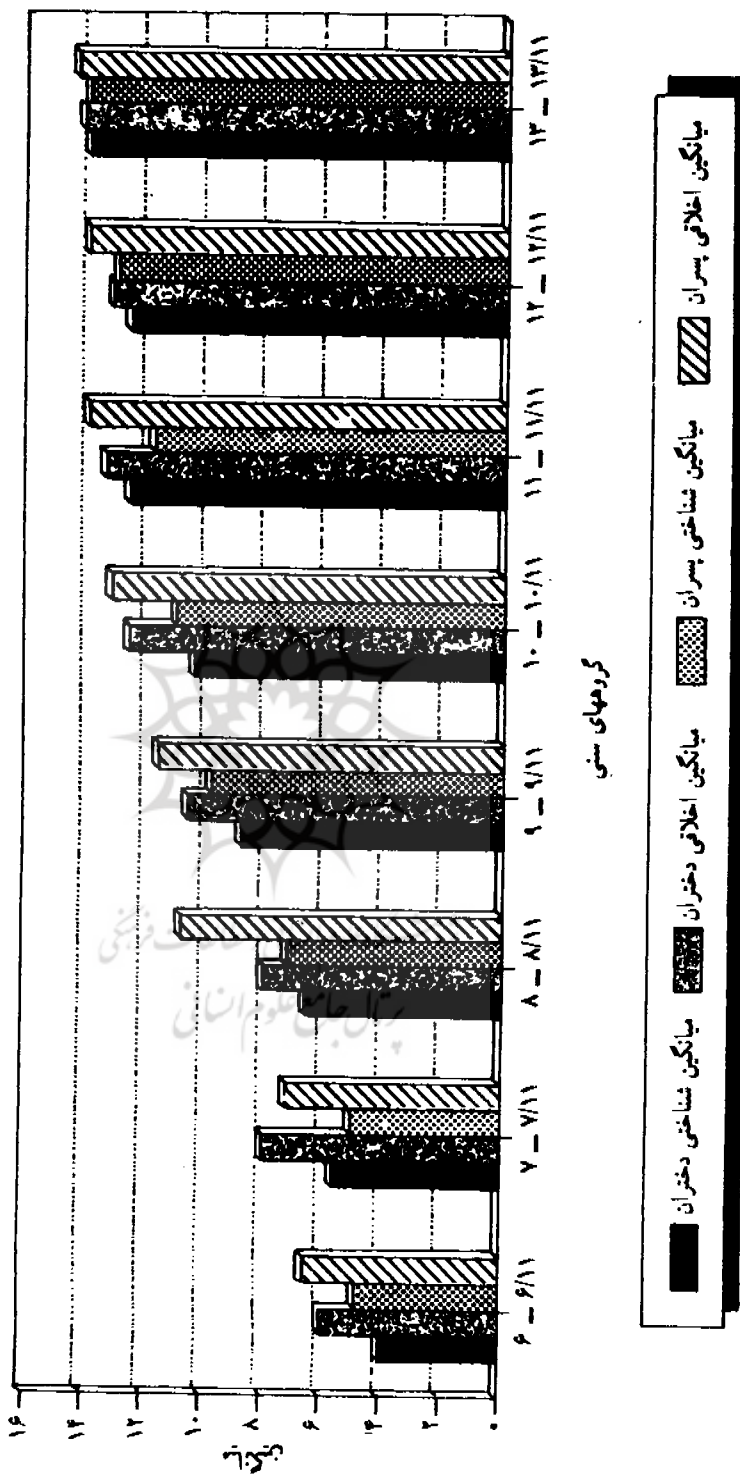


مقایسه میانگین نمرات تحول شناختی با تحول اخلاقی کودکان جنوب و شمال شهر (بیران)

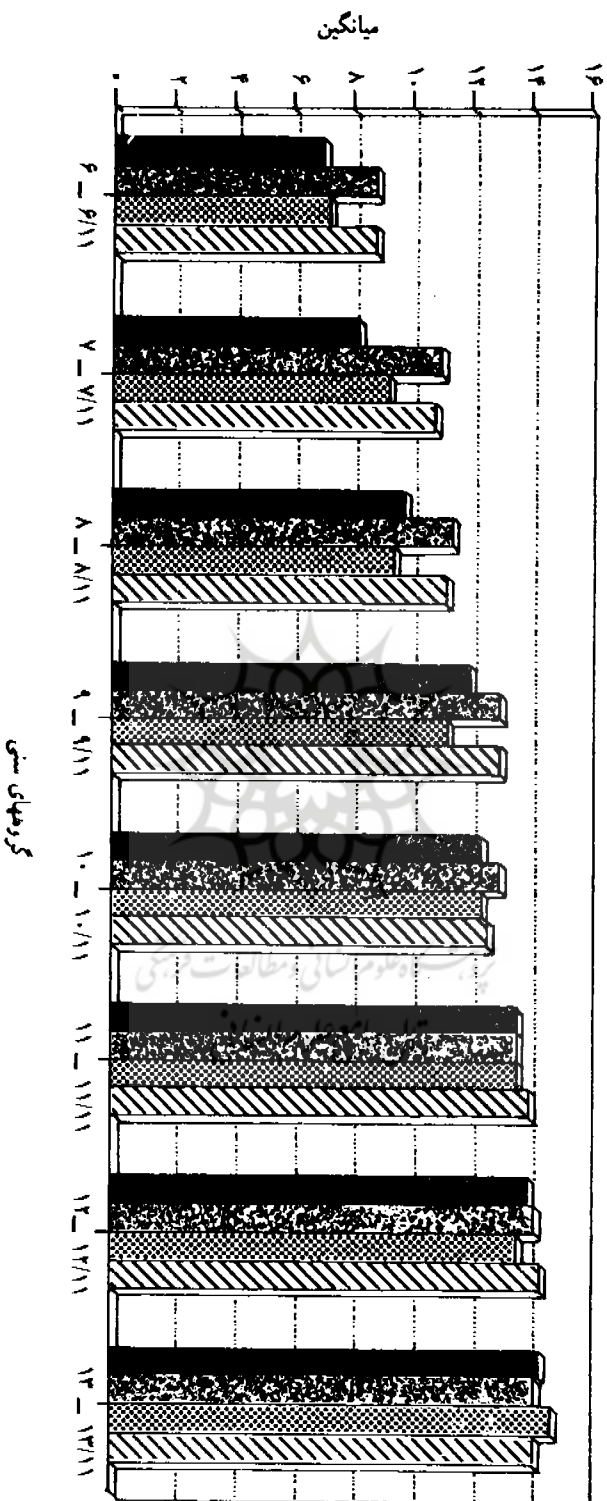


	میانگین نمرات شناختی		میانگین نمرات اخلاقی
	میانگین نمرات شناختی		میانگین نمرات اخلاقی
	کودکان شمال شهر		کودکان شمال
	کودکان جنوب		کودکان جنوب

مقایسه میانگین نمران تحول شناختی با تحول اخلاقی در کودکان جنوب شهر



مقایسه میانگین تحول شناختی با تحول اخلاقی در کودکان نسل شهر



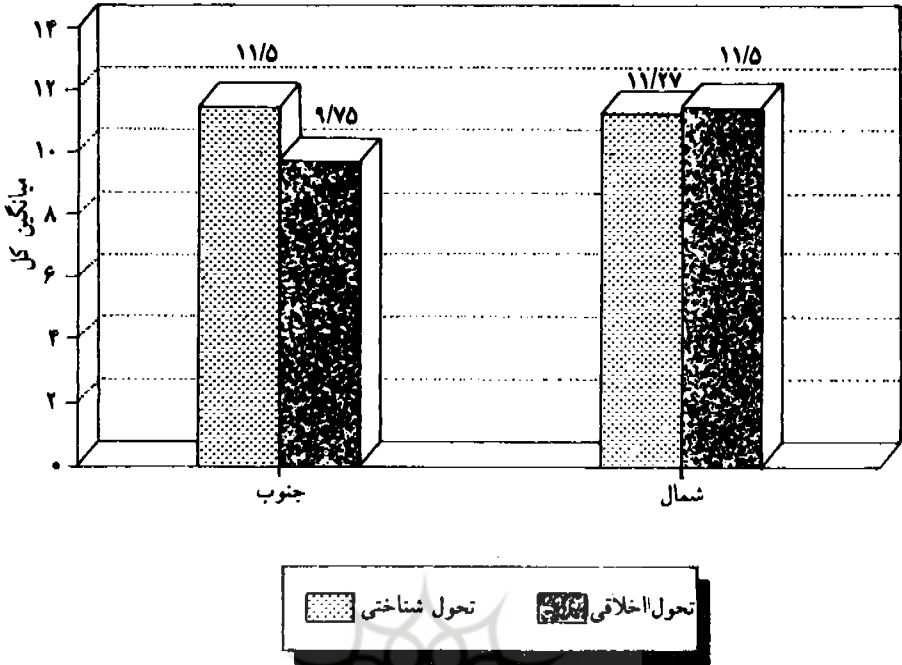
میانگین شناختی دشواران

میانگین اخلاقی دشواران

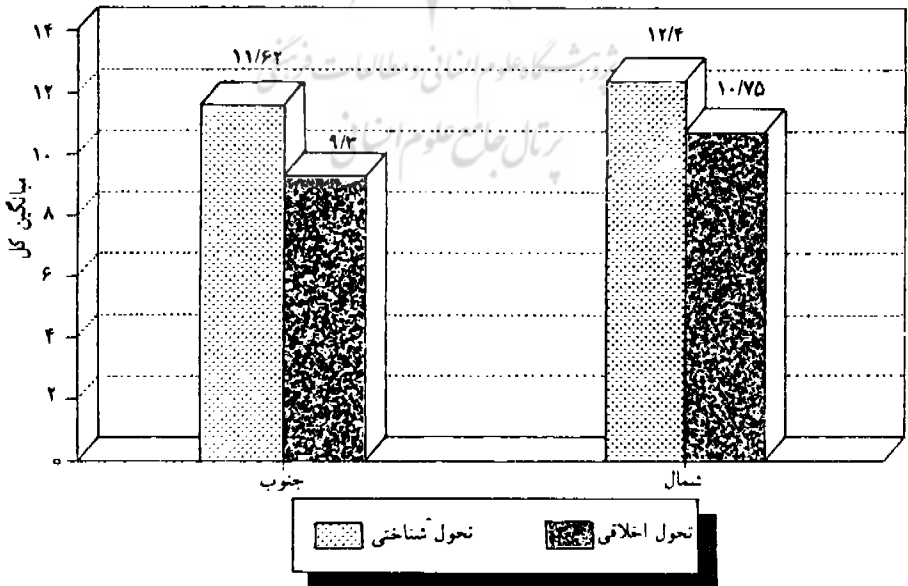
میانگین شناختی پسران

میانگین اخلاقی پسران

نمودار مقایسه میانگین نمرات تحول شناختی با تحول اخلاقی کل کودکان شمال و جنوب (پسران)



نمودار مقایسه میانگین نمرات تحول شناختی با تحول اخلاقی کل کودکان شمال و جنوب (دختران).



«جدول مهینگی تحول اخلاقی بپاوه و کلهبرگ»

	نوله ... تا ۳ - ۲ سالگی	۳ - ۴ سالگی ... تا ۸ - ۷ سالگی	۸ - ۹ سالگی ... تا ۱۴ - ۱۳ سالگی	۱۵ سالگی ... تا ۲۰ سالگی	
<div style="display: flex; justify-content: space-between;"> <div style="text-align: right;"> <p>مهره اول اخلاقی</p> <p>کلهبرگ</p> </div> <div style="text-align: left;"> <p>مهره دوم اخلاقی</p> <p>بپاوه</p> </div> </div>	I ناپهروی	II دیگر پهروی اخلاق عینی با اخلاق واقع‌گرایی (انتقاد) - (اطاعت) اخلاق عینی (مستی بر نتایج مادی)	III خود پهروی خود مختاری، کش و راکش متقابل - با اخلاق استقلال اخلاق فاعلی (مستی بر نیت فاعلی)	III ماوراء قراردادی	<div style="display: flex; justify-content: space-around;"> <div style="text-align: center;"> <p>۱</p> <p>پیش قراردادی</p> </div> <div style="text-align: center;"> <p>۲</p> <p>قراردادی</p> </div> <div style="text-align: center;"> <p>۳</p> <p>قراردادی</p> </div> </div>
	II اخلاق مقرریت طلایی جلب رضایت دیگران، با اخلاق مستقیم بر پسر خوب یا دختر خوب	II اخلاق مقرریت بر نظام و قانون. تفاوت بین نیت و عمل	III اخلاق توافق اجتماعی انحصاریت دارمختوری قانون نیست بلکه توافق است که قانون صرف آن است	III اخلاق مبتنی بر اصول جهانی و همگانی «دورنی شدن اصول اخلاقی»	<div style="display: flex; justify-content: space-around;"> <div style="text-align: center;"> <p>۴</p> <p>مهره اول اخلاقی</p> </div> <div style="text-align: center;"> <p>۵</p> <p>مهره دوم اخلاقی</p> </div> </div>
<div style="display: flex; justify-content: space-around;"> <div style="text-align: center;"> <p>۱</p> <p>اصل لذت طلایی</p> </div> <div style="text-align: center;"> <p>۲</p> <p>اصل مبتنی بر واقعیت</p> </div> <div style="text-align: center;"> <p>۳</p> <p>اصل مبتنی بر حقیقت</p> </div> </div>	<div style="display: flex; justify-content: space-around;"> <div style="text-align: center;"> <p>۱</p> <p>اخلاق اجتناب از - تنبيه. اطاعت از قدرت و ترس از تنبيه</p> </div> <div style="text-align: center;"> <p>۲</p> <p>اخلاق مبتنی بر کسب - آیا، رضای نیازهای شخصی - لذت پرستی</p> </div> <div style="text-align: center;"> <p>۳</p> <p>اخلاق مقرریت طلایی جلب رضایت دیگران، با اخلاق مستقیم بر پسر خوب یا دختر خوب</p> </div> </div>	<div style="display: flex; justify-content: space-around;"> <div style="text-align: center;"> <p>۴</p> <p>اخلاق مقرریت بر نظام و قانون. تفاوت بین نیت و عمل</p> </div> <div style="text-align: center;"> <p>۵</p> <p>اخلاق توافق اجتماعی انحصاریت دارمختوری قانون نیست بلکه توافق است که قانون صرف آن است</p> </div> </div>	<div style="display: flex; justify-content: space-around;"> <div style="text-align: center;"> <p>۶</p> <p>اخلاق مبتنی بر اصول جهانی و همگانی «دورنی شدن اصول اخلاقی»</p> </div> </div>	<div style="display: flex; justify-content: space-around;"> <div style="text-align: center;"> <p>۱</p> <p>اصل لذت طلایی</p> </div> <div style="text-align: center;"> <p>۲</p> <p>اصل مبتنی بر واقعیت</p> </div> <div style="text-align: center;"> <p>۳</p> <p>اصل مبتنی بر حقیقت</p> </div> </div>	

«نمودار تحول شناختی و رابطه آن با تحول اخلاقی در نظام پیازه»

